



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۲۷

قابلیت‌های محیطی مؤثر بر خودآگاهی در مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر مشهد^۱

حامد بی‌تی (دانشیار آموزش تاریخ معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

h.beyti@tabriziau.ac.ir

مینو قره بگلو (استاد معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران)

m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

المیرا کریمی پور (دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران)

e.karimipour@tabriziau.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹

صص ۷۱-۹۱

چکیده

به اعتقاد صاحب‌نظران، اگر قرار باشد نسخه‌ای جهت تغییر و بهبود کیفیت زندگی انسان نوشته‌شود، باید بر اساس خودآگاهی باشد که آشنایی با خویش و پیرامون خود را در پی دارد. یکی از منابع خودآگاهی، محیط است. محیط‌زندگی، توانایی به کارگیری مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیطی جهت رسیدن به معیارهای خودآگاهی را دارد. از این حیث، مسکن که بیش از همه در ارتباط تنگاتنگ با زندگی در حال تحول انسان قرار دارد و متعاقباً مجموعه‌مسکونی، به علت ضرورت شناخت شیوه تفکر و تلقی از یک کل یکپارچه، با توجه به اجتماع‌پذیری بالای این گونه‌مسکونی مطرح می‌شود. این نوشتار به عنوان رویکردی علمی، به دنبال رابطه بین محیط مجموعه‌مسکونی و خودآگاهی، بر اساس ترکیبی از تحقیق بنیادی و اکتشافی است که در فرایند اجرا به صورت ترکیبی (کیفی و کمی) می‌باشد. تحقیق کیفی به صورت توصیفی-تحلیلی، به جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای پرداخته و سپس به صورت اکتشافی، از طریق مصاحبه است. توزیع پرسشنامه در میان ساکنین مجموعه‌های مسکونی شهر مشهد و تحلیل با استفاده از الگوسازی معادله‌های ساختاری و تحلیل عامل تاییدی مرتبه دوم با نرم افزار اسمارت‌پی‌ال‌اس، انجام گردیده است. نتایج حاکی از آن است که خودآگاهی در ارتباط با محیط، دارای پنج سطح (تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری و متا) بوده و گذر رازآلود، تداوم سناریوها، سازماندهی عملکردی،

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی مجموعه مسکونی با رویکرد خودآگاهی» می‌باشد که با راهنمایی آقای دکتر حامد بی‌تی و مشاوره خانم دکتر مینو قره بگلو در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است. (پایان نامه مورد حمایت مالی و علمی از محل طرح ۱۵۰۲۰۲۲۰۰۳ از سوی اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی قرار گرفته است). پایان نامه مذکور به عنوان پایان نامه برتر تقاضامحور سال ۱۴۰۱، در راستای تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین از سوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز معرفی شده است.

هویت‌پذیری و حضور طبیعت بترتیب بعنوان مؤثرترین قابلیت‌های محیطی در سطوح مذکور می‌باشند. در تعیین اهمیت سطوح، سطح‌ماندگاری که امکان تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط را فراهم می‌سازد، به عنوان مهمترین سطح خودآگاهی در مجموعه مسکونی تعیین گردید. در این میان، قابلیت‌های کالبدی بیش از سایر قابلیت‌ها در تامین سطوح خودآگاهی، مؤثر واقع شد و سایر قابلیت‌ها، به تنهایی امکان تامین سطوح خودآگاهی در مجموعه مسکونی را نداشتند.

کلیدواژه‌ها: خودآگاهی، قابلیت‌های محیطی، کیفیت زندگی، مجموعه مسکونی.

۱. مقدمه

زندگی خوب، حاصل زیستن و تامل بر زیست‌خویش است؛ که با نوعی آموزش در زمینه خردعملی^۱ پیوند دارد و طی آن، انسان به شکوفایی و تکامل می‌رسد. بنابراین می‌توان آن را یک دوره آموزشی، جهت کشف لحظه به لحظه خود، شناسایی نقاط ضعف، آموختن از اشتباهات و درک کیفیت سپری‌شده در موقعیت‌های مختلف، جهت عمل بهتر در آینده در نظر گرفت (ورنون، ۱۳۹۸، ص. ۵۰-۱۴) و اگر قرار باشد نسخه‌ای جهت تغییر و بهبود کیفیت زندگی انسان نوشته شود، باید براساس خودآگاهی که اساسی‌ترین مسئله در روانشناسی است، باشد (روچات، ۲۰۰۳، ص. ۷۱۷).

خودآگاهی نشان‌دهنده تاج دستاورد تکامل انسان است (مورین^۲، ۲۰۱۱، ص. ۱۰۱۳) و این پتانسیل را دارد که تقریباً هر تجربه‌ای را افزایش دهد (آکرمن^۳، ۲۰۲۱). زیرا آشنایی با خویش و پیرامون خود، منجر به احساس هویت و شناخت شیوه‌های منطقی ارتباط با دیگران می‌شود؛ این آگاهی به انسان احساس حضور در عالم را القا می‌کند که خود جزئی از آن است، باید آن را بسازد و تعالی بخشد تا از این طریق به سمت کمال طی مسیر کند. اکثر مردم معتقدند که خودآگاه هستند اما طبق مطالعات انجام شده، تنها ۱۰-۱۵٪ از آن‌ها خودآگاه هستند (اریچ^۴، ۲۰۱۸)؛ زیرا انسان فطرتاً فراموشکار است و هدام نیازمند تذکر و یادآوری است (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص. ۳۳). در این میان، یکی از منابع خودآگاهی، محیط است (مورین، ۲۰۰۴، ص. ۱۹۹).

محیط بر ذهن آدمی تأثیر می‌گذارد (انصاری و مؤمنی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۵) و در فهم انسان از محیط، اصلی‌ترین نقش را ادراک محیط دارا است که به معنای علم و آگاهی انسان از جهان بیرون و دنیای درون او است (نصیرسلامی و سوهانگیر، ۱۳۹۲، ص. ۷۹-۱۰۰). از اصلی‌ترین محیط‌هایی که می‌تواند عامل آگاهی انسان گردد، مجموعه محیط و فضای زندگی انسان است که توانایی القای ارزش‌ها را به انسان دارد (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص. ۴۶-۲۷). به عبارتی محیط زندگی توانایی به کارگیری مجموعه‌ای از قابلیت‌ها را برای تأمین معانی ذهنی (افشاری و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵)، جهت رسیدن به معیارهای خودآگاهی و زیست خوب دارد (باطنی خسرو شاهی، ۱۳۹۴، ص. ۵۷). از این حیث،

1. Practical intelligence
2. Morin
3. Ackerman
4. Eurich

مسکن به عنوان شکل دهنده هویت فردی انسان و همچنین جامعه‌پذیری او، مورد توجه است (شورت^۱، ۲۰۰۶)؛ که بیش از همه در ارتباط تنگاتنگ با زندگی در حال تحول انسان قرار دارد و در واقع فرایندی است که در طول زمان، با تمام ابعاد وجودی انسان در می‌آمیزد، رشد می‌کند (پالاسما، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۷) و از دیدگاه نظری اسلام، فرد در آن به شناختی عمیق از خود در برابر محیط اطراف و پروردگارش دست می‌یابد (ثمین شریفی میاوقی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳۹).

از یکسو هر گونه‌ای از مسکن، قابلیت‌های متناسب با معیارهای خودآگاهی درخور خود را می‌طلبد و از سوی دیگر کیفیت مواجه ساکنین هم با آن قابلیت‌ها متفاوت است. لذا مجموعه‌مسکونی، بعنوان کالبد زندگی جمعی و اهمیت بعد اجتماعی مسکن در آن (زاهدی و همکاران، ۲۰۰۹)، شناخت شیوه تفکر از یک کل را ضروری ساخته و بدین صورت نیازمند یک خودآگاهی است که ارزیابی خود، پیش بینی نحوه درک دیگران و اقدامات بر اساس باورها و ارزش‌های جمعی را شامل می‌شود (بامیستر^۲، ۲۰۰۵، ص. ۷). در این راستا پژوهش به عنوان رویکردی علمی به دنبال رابطه بین محیط مسکونی و خودآگاهی است تا بر این اساس بتوان به این پرسش پاسخ داد که «چه رابطه‌ای بین محیط و خودآگاهی وجود دارد؟» و دوماً «چه قابلیت‌های محیطی از مجموعه‌مسکونی می‌تولند بر خودآگاهی مؤثر باشد؟». لذا مشهد به عنوان دومین کلانشهر ایران که بسیاری از توسعه‌های اخیرش، موجب گسست در ساختار فضایی محلات و از بین رفتن هویت کالبدی، ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباط چهره‌به‌چهره آن‌ها شده است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۵۷)؛ به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب گردیده است. بررسی پیشینه مطالعات این پژوهش، به دو بخش خودآگاهی و رابطه انسان-محیط قابل تقسیم است. در بخش مطالعات خودآگاهی، پرنس و الکساندر^۳ (۲۰۱۷)، به ارتباط آن با هوش هیجانی اشاره کردند که در صورت عدم آن، انسان دچار ضعف در مهارت‌های اجتماعی می‌گردد. جیانانتی^۴ (۲۰۲۱) در من می‌دانم چگونه می‌دانم، استدلال کرده است که آگاهی ادراکی شامل شکلی ساختاریافته از خودآگاهی است و آگاهی فرد ریشه در حقایق پدیدارشناختی دارد. کرومنس^۵ و همکاران (۲۰۱۹) در کاوش خودآگاهی از بازشناسی تصویر خود و دیگران در آینه، دیدگاه‌های جدیدی را با استفاده از الگوی آینه‌ای برای تشخیص بدن ارائه می‌کنند. سانگ (۲۰۲۰) در طراحی پوستر پویا در مورد خودآگاهی رشد کودک، دریافت، مخاطبان به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول هیچ دانشی در مورد خودآگاهی ندارند و از درک استعاره‌ها عاجزند؛ دسته دوم افرادی هستند که دانش پیشینه‌ای از خودآگاهی دارند و بخشی از آثار را با حفاری زیاد، درک می‌کنند.

در بخش رابطه انسان و محیط، همانطور که باطنی خسروشاهی (۱۳۹۴) اشاره دارد، تأثیرات متقابل میان انسان و محیط کالبدی، از دو جهت کلی بررسی شده است: ۱) محیط کالبدی که رفتار انسان از آن نشأت می‌گیرد. ۲) رفتار

1. Short
2. Baumeister
3. Hannah Prince & Lucy Alexander
4. Andrea Giananti
5. Gaëlle Keromnes

انسان که محیط انسان ساخت را شکل می‌دهد که مطالعات پژوهش حاضر، بر اساس جهت اول انجام شده‌است. در این جهت برخی معتقدند که محیط، همانند فرهنگ بر انسان و رفتار او و همچنین بر تمایلات و انتخاب روش زندگی و همچنین بر اعتقادات انسان تأثیر می‌گذارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، صاحب‌نظران متعددی (طاهری، ۱۳۹۸؛ نصیرسلامی و سوهانگیر، ۱۳۹۲؛ بدری، بقایی و افهمی، ۱۳۹۴) از ادراک سخن گفته‌اند؛ برای ادراک، موضوع عینی و ذهنی از محیط مطرح شده است و ارتباط بین این دو را در خلق و تغییر قابلیت محیطی دانستند. در راستای خودآگاهی عینی، دووال و ویکلاند^۱ (۱۹۷۲) دریافتند که انتساب به خود زمانی بیشتر است که محرکی جهت معطوف کردن حواس به خود به جای محیط باشد و فرانتز و همکاران^۲ (۲۰۰۵) معتقدند، افزایش خودآگاهی عینی، در عین برجسته‌کردن ویژگی‌های درونی فرد، ارتباط با محیط را کاهش می‌دهد. همچنین ویکلاند در سال (۲۰۰۸)، نظریه تکامل یافته خودآگاهی عینی را در ارزیابی خود به عنوان واکنش اولیه و سپس اجتناب از محرک‌هایی همچون آینه و فعالیت‌های حرکتی جهت تمرکز بر خود دانست. بنابراین می‌توان به اهمیت خودآگاهی، و تأثیر محیط پی‌برد. در این میان نکته‌ای که بدان پرداخته‌نشده، رابطه محیط و تأثیرش بر خودآگاهی است که در این پژوهش به مجموعه مسکونی از طریق قابلیت‌های محیطی، می‌پردازد:

خودآگاهی: انسان همه چیز را از راه آگاهی شناخته‌است (چالمرز^۳، ۱۹۹۵، ص. ۱). آگاهی طبق تعریف عرفی به حالاتی از ادراک حسی و هوشیاری دلالت می‌کند که از هنگام بیداری انسان از خواب آغاز می‌شود و تا زمانی که دوباره به خواب رفته یا به حالت اغما و مرگ بیفتد و یا اینکه به هر شکلی «ناآگاه» شود، ادامه می‌یابد؛ البته رؤیا نیز حالتی از آگاهی است (سرل^۴، ۱۹۹۷، ص. ۵). آگاهی از منظر کارشناسان، مشتمل بر آگاهی‌پدیداری، آگاهی‌دسترسی، آگاهی‌نظارتی و خودآگاهی می‌باشد (بلاک^۵، ۱۹۹۵، ص. ۲۰۶). در خودآگاهی، فرد از تجربیات ادراکی خود آگاه است؛ بنابراین می‌توان خودآگاهی^۶ را با خودآگاهی^۷ مترادف قرار داد (جیانیتی، ۲۰۲۱، ص. ۱۰۳۵). مسئله «آگاهی» با مسئله «خود» گره خورده‌است؛ زیرا تجربه آگاهانه بدون وجود تجربه‌کننده وجود ندارد (چرچلند، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۷). بلاک خودآگاهی را صاحب فهمی از «خود» بودن و تولنایی به کارگیری این فهم در تفکر تعریف می‌کند (همان: ۲۱۳). هر تجربه آگاهانه‌ای از جهان در بردارنده نوعی خودآگاهی است (گالاکروزاهوی^۸، ۲۰۰۸، ص. ۴۶). خودآگاهی، توانایی دیدن خود به روشنی و عینی از طریق تأمل و درون‌نگری است. اگرچه دستیابی به عینیت کامل درباره خود ممکن نیست زیرا این بحثی است که در طول تاریخ فلسفه همچنان ادامه دارد، اما مطمئناً درجاتی از

1. Duval & Wicklund
2. Frantz, Mayer, Norton & Rock
3. Chalmers
4. Searle
5. Block
6. Self-Awareness
7. Self-consciousness
8. Gallagher & Zahavi

خودآگاهی وجود دارد (آکرمَن^۱، ۲۰۲۱). نظریه خودآگاهی مبتنی بر این ایده‌است که شما افکار خود نیستید، بلکه موجودی هستید که افکار شما را مشاهده می‌کند. شما متفکر و جدا از افکار خود هستید (دووال و ویکلانند، ۱۹۷۲).

۲. روش شناسی

پژوهش ترکیبی از تحقیق بنیادی و اکتشافی است که در فرایند اجرا به صورت ترکیبی (کیفی و کمی) می‌باشد. تحقیق کیفی به صورت توصیفی-تحلیلی، به جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای پرداخته و سپس در روش تحقیق کمی طی چهار مرحله به ترتیب شامل ایجاد و توزیع پرسشنامه، سنجش پایایی داده‌ها، ارزیابی مدل بیرونی و سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق صورت گرفته‌است. این مقاله از نظر نتایج و پیامد و موضوع، کاربردی می‌باشد.

۱.۲. مطالعات کتابخانه‌ای

دو نوع متفاوت از خودآگاهی وجود دارد: نوع اول، در ارتباط با جهان می‌باشد که خود به نوع پیش‌تأملی^۲ و تأملی^۳ تقسیم می‌شود (جدول ۲). خودآگاهی پیش‌تأملی، آگاهی به غیر خود است و آگاهی تأملی به این صورت است که آگاهی به خود پس از آگاهی به غیر، صورت می‌گیرد. اکثر فیلسوفان ذهن معاصر، خودآگاهی و ارتباط با جهان را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند (فارل و مک‌کلانسن^۴، ۲۰۱۷، ص. ۱-۲؛ نیدا روملین^۵، ۲۰۱۷، ص. ۶۳؛ روستال^۶، ۱۹۸۶، ص. ۳۳۵-۳۲۹؛ گالاجر و زهاوی^۷، ۲۰۰۸؛ ص. ۴۶). در این میان افرادی مانند ابن‌سینا معتقدند علاوه بر آگاهی ضمنی و تلویحی به خویش، نوعی از خودآگاهی بی‌واسطه، صریح و از طریق درون‌نگری نیز وجود دارد که امروزه بسیاری از فلاسفه ذهن با مرتبه دوم خودآگاهی ابن‌سینا موافق نیستند مگر اینکه انسان ابتدا با جهان و متعلقات آگاهی ارتباط داشته باشد و در یک تأمل ثانوی به «خود» آگاهی یابد (اسحاقی نسب و زمانیها، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۹) که موارد گفته شده در جدول ۱ آمده‌است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Ackerman
2. Pre-Reflective Self-Consciousness
3. Reflective Self-Consciousness
4. Farrell & McClellan
5. Nida-Rumelin
6. Rosenthal,
7. Gallager & Zahavi

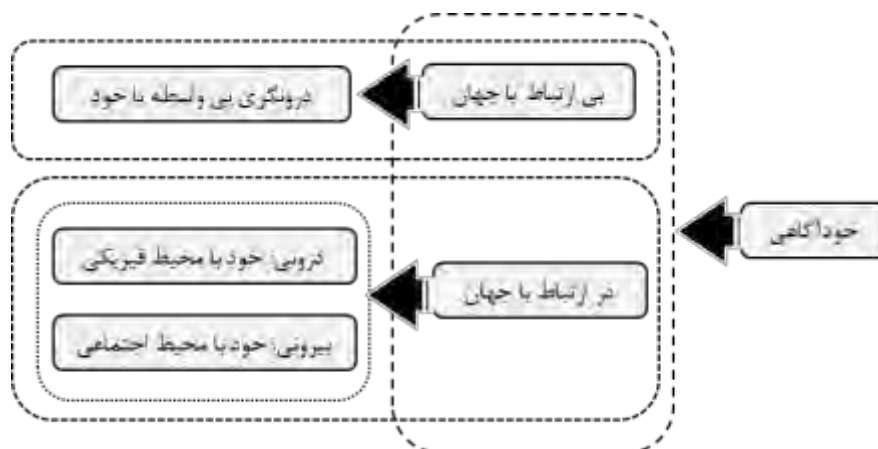
جدول ۱. انواع خودآگاهی در فلسفه ذهن

نوع ارتباط	بی ارتباط با جهان	در ارتباط با جهان
نوع خودآگاهی	خودآگاهی صریح و بی واسطه به خویش (درون نگری)	مرتبه اول، پیشاتأملی (آگاهی به غیر از «خود»)
نظریه پرداز	ابن سینا: آگاهی صریح و بی واسطه به خویش دکارت: «خودتنهاباوری» (سولیسیم ^۱)	اکثر فیلسوفان ذهن ارسطو: از طریق معرفت به غیر و در ضمن آن، معرفت به خویش صورت می گیرد. ملوپونتی: بازگشت سوژه به خود از طریق «دیگری». هایدگر: در پی آگاهی ما به هر چیزی، «خود» در ضمن این تجربه آگاهانه ظهور می یابد. اوانز ^۲ : اصولا داشتن آگاهی به «خود»، نیازمند توانایی درک خود از نگاه دیگری است. هگل: آگاهی از خویش با آگاهی از چیزهای دیگر امکان پذیر است. هابز: یک خودآگاهی صرفا به واسطه یک خودآگاهی دیگر وجود دارد. ارسطو در ضمن معرفت به غیر، معرفت به خویش صورت می گیرد (همان). هورسل: بیناذهنیت و میان اذهانی. ابن سینا: آگاهی ضمنی و تلویحی به خویش

ماخذ: (اسحاقی نسب وزمانها، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۹؛ قربانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۵؛ مکاریک، ۱۳۹۰، ص. ۷۲؛ برموز، ۱۹۹۸، ص. ۵۷۹؛ گالاگر و زاهای، ۲۰۰۸، ص. ۶۱؛ استپویچ، ۱۹۹۳، ص. ۱۱۷؛ ضمیران، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۷؛ مکاریک، ۱۳۹۰، ص. ۷۲)

خودآگاهی دارای سه منبع خود، محیط فیزیکی و محیط اجتماعی است. اشیاء و ساختارهای موجود در محیط فیزیکی، باعث ایجاد تمایز شده و حاوی محرکهای انعکاس دهنده می باشند. محیط اجتماعی نیز، از طریق تعاملات چهره به چهره و با مکانیسم مقایسه اجتماعی می تولد منجر به بازخورد از خود گردد (مورین، ۲۰۰۴، ص. ۱۹۷). بنابراین طبق شکل ۱، مباحث خودآگاهی بیشتر مرتبط با جهان و در دو بخش بیرونی و درونی است (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۲). خودآگاهی درونی شامل شخصیت، احساسات و خواسته های «خود» و درک تناسب و تأثیر خود با محیط است (بامسیستر^۳، ۱۹۹۹). در حالی که خودآگاهی بیرونی توسط دیگران و اجتماع نسبت به خود حاصل می شود (جیمز^۴، ۱۸۹۰، ص. ۲۹۴) و در نهایت نشان دهنده این است که بدانیم دیگران چگونه به ما نگاه می کنند (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۲).

1. Solipsism
2. Evans Gareth
3. Baumsister
4. James



شکل ۱. انواع خودآگاهی و ارتباط آن با نوع خود

سطوح خودآگاهی: فیلیپ روچات، خودآگاهی فرد بالغ را شبیه به نظریه خودشناسی کودک در آینه (از بدو تولد تا ۴-۵ سالگی)، شامل پنج سطح، از سطح صفر «سردرگمی: بدون خودآگاهی» تا سطح پنج «متا: فراخودآگاهی» می‌داند. در واقع توسعه خودآگاهی شبیه به لایه‌های پیاز است که فرد بالغ تا لحظه مرگ، از طریق این لایه‌ها در نوسان است (روچات، ۲۰۰۳، ص. ۷۲۸). سطح صفر (سردرگمی) که فرد از خود و جهان بی‌خبر است و جهان را بازتابی از خود نمی‌داند. در واقع هیچ دانشی در خصوص ادراکات ذهنی وجود ندارد اما اکثراً در این مرحله فکر می‌کنند که خودآگاه هستند و خوشحال از اینکه در وضعیت مثبت هستند در حالی که بیشتر خود را جذب می‌کنند (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۸). در سطح یک (تمایز)، فرد متوجه تمایز خود و جهان و انعکاس آن می‌شود. در این سطح دو لایه وجود دارد یکی خودی که فکر می‌کنیم هستیم و دیگری خودی که واقعاً هستیم و افراد اکثراً توسط عادت‌ها و واکنش‌هایی که بدن آگاه نیستند، کنترل می‌شوند (مانسون^۱، ۲۰۱۸). همچنین برای جلوگیری از درد این تناقض، به صورت ناآگاهانه به حواس‌پرتی روی می‌آورند. بنابراین برای کاهش حواس‌پرتی بهتر است به جای حذف یک‌دفعه آن، به تدریج از بین‌رود (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۲)؛ همانطور که واتس (۱۹۷۰)، برخورد انسان با جهان را به آرامی و با ذوب‌شدن در ابهام برای وحدت با آن می‌داند و نقاشان چینی و ژاپنی جهت جذاب جلوه‌دادن کوه‌ها در نقاشی خود، قسمتی از آن‌ها را در مه فرو می‌برند تا جذاب‌تر شود (واتس^۲، ۱۹۷۰، ص. ۸۱-۸۰). در سطح دو (موقعیت)، فرد می‌تواند جهان را به‌آنچه در درون خود درک می‌شود پیوند زند و بداند محیط امکان عمل را فراهم می‌کند. در سطح سه (شناسایی)، فرد در حین کاوش تصویرعینی خود، خود را می‌شناسد. در سطح چهار (ماندگاری)، فرد توانایی شناسایی خود فراتر از تصویرش را دارد؛ طوری که خود را در گذشته هم تشخیص دهد. در سطح پنج (فراخودآگاهی، متا)، فرد می‌تواند نه تنها از منظر اول شخص، بلکه از دیدگاه سوم شخص نیز شناخته‌شود. در واقع این سطح درک شکافی بین درک‌درونی و درک‌بیرونی توسط دیگران از خود است و موجب شبیه‌سازی ذهنیت

1. Manson

2. Watts

دیگران هنگام مواجهه با خود فانتزی می‌شود. این نشان می‌دهد که ما می‌توانیم رویدادها، رفتارها و خودمان را از منظر اول شخص و سوم شخص تجسم کنیم که بر نحوه درک افراد از رویدادها تأثیر می‌گذارد. دیدگاه اول شخص این است که رویداد را همانطور که آنها در زندگی واقعی می‌بینند، در حال رخ دادن است. دیدگاه سوم شخص این است که رویداد را از منظر ناظر در زندگی واقعی ببینیم. این دیدگاه بر نحوه درک افراد از رویدادها تأثیر می‌گذارد. دیدگاه سوم شخص می‌تواند هزینه بر اما مفید باشد (رنی و همکاران^۱، ۲۰۱۶). در این مسیر اکثراً معتقدند که در یک ساخت مشترک و در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد (روچات و استریانو^۲، ۱۹۹۹) و تنها رویکرد مؤثر، بازخورد ۳۶۰ درجه ناشناس است. ارزیابی مبتنی بر جستجوی بازخورد از متقدان دوست داشتنی (دوستان و خانواده) که با منافع مشترک، مایلند حقیقت را بازگو کنند. یک تجربه واقعاً چشم باز که فرهنگ بسیار خودآگاه و غنی از بازخورد ایجاد می‌کند (بنجامین^۳، ۲۰۱۹). بدین ترتیب، سطوح خودآگاهی در قالب محیط، طبق جدول ۲ تدوین می‌گردد.

جدول ۲. سطوح خودآگاهی در محیط

سطح	شرح	منبع	نوع خودآگاهی
۰: سردرگمی	عدم تشخیص خود در محیط و بازتابش در آن	_____	تأملی (درونی)
۱: تمایز	عدم تشخیص خود واقعی از خود متصور شده و کنترل فرد توسط حواس پرتی و عادت‌ها. توصیه: کاهش مرحله به مرحله حواس پرتی	خود محیط فیزیکی	تأملی (درونی)
۲: موقعیت	پیوند درون (خود) و بیرون (محیط) و درک محیط به عنوان فضای عملکردی	خود محیط فیزیکی	تأملی (درونی)
۳: شناسایی	ارائه تصویر عینی از خود توسط محیط در حین کاوش فرد	خود محیط فیزیکی	تأملی (درونی)
۴: ماندگاری	امکان تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط	خود محیط فیزیکی	تأملی (درونی)
۵: (متا) فراخودآگاهی	امکان شبیه سازی ذهنیت دیگران توسط محیط و توانمند سازی فرد جهت دیدن مسائل از منظر سوم شخص	خود محیط فیزیکی محیط اجتماعی	تأملی (بیرونی)

قابلیت محیطی: قابلیت محیطی درصدد پاسخ گویی به نیازها و به فعلیت رساندن هستی وجودی انسان در زیستگاه وی پدید می‌آید. از این طریق می‌توان محیط ساخته‌شده را به گونه‌ای شکل داد که برازندهی الگوی جاری یا دلخواه باشد (لانگ^۴، ۲۰۰۴). لنگ عقیده دارد، قابلیت‌ها، الگوهای ویژه محیط ساخته‌شده است که از چگونگی طرح و مصالح به کار رفته در آن و نحوه انتساب آن به گروه خاصی از مردم حاصل می‌شود. مولفه های تشکیل دهنده محیط

1. Rennie, Harris & Webb
2. Rochat & Striano
3. Benjamin
4. lang

شامل فرم یا صورت، عملکرد و معنا می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵) و بر این اساس قابلیت‌ها را می‌توان به شرح زیر دسته بندی کارآمدی کرد:

۱. قابلیت‌هایی که مردم نیاز دارند تا به گونه ای فیزیکی یا کالبدی با محیط تعامل پیدا کنند. این تعامل فیزیکی نیازهای اساسی مردم چون راه رفتن، خوردن، خوابیدن و غیره را تأمین می‌نماید. مولفه کالبدی به گفته کرمونا، بیانگر کیفیت‌هایی است که به کالبد محیط مربوط است.

۲. قابلیت‌هایی که مردم جهت ارتباطات و تعاملات اجتماعی و ارتباطات میان فردی بدان نیازمندند. در این سطح قابلیت‌های فضای معماری واسطه ای برای رمزگذاری و رمزگشایی است. عملکرد از طریق ادراک، در ذهن متبادر شده و در اعماق آن جایگزین می‌گردد (گمبریچ^۱، ۱۹۶۳). به گونه‌ای که فضای ساخته شده لایه‌های عملکردی متفاوتی را به انسان آن هم بر اساس نیازهایش پیشنهاد می‌نماید. در دیدگاه روان شناسی محیطی، عملکرد شیء و محیط است که قابلیت لازم را برای انجام فعلیتی فراهم می‌سازد (مطلبی، ۱۳۸۵، ص. ۵۸).

۳. قابلیت‌هایی که مردم برای ارضای خواش‌ها و تعاملات نمادین، سمبلیک و رمزگونه به همراه ویژگی‌های فرهنگی و روحانی از محیط انتظار دارند (همان). در اینجا سطح عمیق‌تری از ارتباط مطرح است که اهمیت بیانی یا نمادی یک مکان می‌باشد (لینچ^۲، ۲۰۰۵) و محیط کالبدی این معانی و قابلیت‌ها را در این سطح فقط به انسان‌ها ارائه می‌نماید (مطلبی، ۱۳۸۵، ص. ۵۸). بنابر این تقسیم بندی، با یک سه گانه قابلیت محیطی (فیزیکی-کالبدی، عملکردی، سمبلیک و نمادین) به بررسی قابلیت‌های محیطی مؤثر بر خودآگاهی می‌پردازیم.

۲.۲. مصاحبه

از آنجا که توده مردم نسبت به آنچه می‌خواهند، ناآگاهند یا دانش و جسارت به زبان آوردن آن را ندارند؛ این وظیفه بر عهده افرادی به اصطلاح قهرمان است تا غایتی که مدنظر را به تحقق برسانند (استیس به نقل از هگل، ۱۳۷۱، ص. ۳۱۴). لذا مصاحبه به صورت اکتشافی با نمونه گیری گلوله‌برفی در میان خبرگان (اساتید هیئت علمی دانشگاه و متخصص در امر مسکن) تا رسیدن به اشباع نظری (سیدمن، ۱۳۹۵، ص. ۹۳) توسط ۳۳ نفر، ادامه یافت تا قابلیت‌های محیطی (کالبدی-فیزیکی، عملکردی، نمادین و سمبلیک) مؤثر بر سطوح خودآگاهی، مشخص گردند. تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها در دو سطح انجام گردید؛ بدین ترتیب که از سطح اول مصاحبه‌ها، قابلیت‌های کالبدی، عملکردی و نمادین متعددی بدست آمد. در سطح دوم که مبتنی بر انتزاع از مفاهیم سطح قبل بود، به دنبال کشف محوره‌های مشترک برای ارتباط بین آن‌ها، از طریق متن همه مصاحبه‌ها، مقوله‌هایی شکل گرفت که در جدول ۳ نشان داده شده است.

1. Gombrich

2. Lynch

جدول ۳. تفکیک قابلیت های محیطی مسکن متناظر با سطوح خودآگاهی

قابلیت محیطی			خودآگاهی
قابلیت نمادین	قابلیت عملکردی	قابلیت کالبدی	سطح
ظرفیت نمادین رنگ‌ها/ رنگ و عناصر تشدیدکننده مقیاس از باب دعوتگری/ موضوعات دیرآشنا جهت معطوف کردن توجه/ چیدمان نمادین جهت تعریف عملکرد خاص/ استفاده از شباک و فخرومدین/ نمادهای بصری	در ورودی و آستانه‌ها ارائه موضوعات مختلف جهت انعطاف رفتاری	عدم نمایش عمق جهت رازآلودی/ گذر نور و دید کنترل شده/تباین در فیلتربندی فضاها (هندسه، رنگ، مصالح، چیدمان و دما)/ گشایش فضایی در ارتفاع/ بازی با تاریک و روشن نور/ توجه بیشتر معطوف به نمای طبقات همکف با توجه به مخروط دید انسانی/ ترکیب فضای طبیعی و مصنوعی/ سازمان فضایی با رعایت سلسله‌مراتب و ایجاد پیش فضا و فضاها و واسط	۱: تمایز ایجاد تمایز و درگیری حواس مرحله به مرحله
حضور بصری و شنیداری طبیعت/ فرهنگ سازی با چیدمان در فضاها/ مشاع/ روانشناسی رنگ‌ها/ عناصر هویت پذیر/ برداشت استحاله شده از نماهای سستی/ نمادهای فضایی که با حرکت در فضا درک شوند	در اتصال فضاها بهم افزایش عمق تماشا در پیوند فضای باز و نیمه باز/ توانمند کردن محیط بیرون از خانه/ خوانایی و هدایتگری مسیرها با قرار دادن آیکون‌هایی در طول راه/ صراحت کارکرد/ نورگیرها و داکت های مجزا	عدم اطلاعات بیش از حد در فرم، رنگ، مصالح/ سناریو سازی و تداوم ارتباطات فضایی سلسله‌مراتبی پیوسته حاصل ویژگی‌های پیش و پس از خود در هر فضا/ همخوانی مبلمان و مقیاس‌ها متناسب با سناریوی فضا/ امنیت فیزیکی و روانی/ محل و ابعاد و دست انداز بازشوها/ فضاهای نیمه باز/ تعریف مسیرهای مختلف دسترسی از طریق کفسازی/ پیروی از سبک معماری متناسب با سلیقه جمعی	۲: موقعیت پیوند درون و بیرون و درک محیط به عنوان فضای عملکردی
عناصری هویت پذیر در چیدمان داخلی/ آرایش فضا و مصالح و رنگ‌های نمادین جهت بازنمایی شخصیت ساکنین	در فضاها داخلی سازماندهی عملکردی در تامین نیازهای کاربر با توجه به حالات مختلف روحی همچون ایجاد خلوتگاه/ طراحی مشارکتی/ امکان تغییر کاربری توسط کاربران	شخصی سازی واحد مسکونی با توجه به فعالیت ساکنین/ چیدمان انعطاف پذیر/ تناسبات فضایی با توجه به نیازهای کارکردی/ عدم تفکیک فضاهاهایی که می‌توانند مشترک باشند و واگذاری این تصمیم بر عهده ساکنین/ تعبیه فضا یا دیواری جهت تزیین با عکس و .. توسط کاربر حداثا حریم نیمه عمومی (نشیمن) و عمومی (پذیرایی)/ فواصل کاربری‌ها	۳: شناسایی ارائه تصویر عینی از خود توسط محیط در حین کاوش
ایجاد یک وضعیت دراماتیک از نور و دیگر عناصر زیبایی شناسانه/ فرم‌ها و عناصر استحاله شده هویت پذیر و بومی/ طاقچه/ فضاسازی نمادین توسط	در کلیه فضاها توزیع عملکردها با توجه به نور و اولویت‌های کاربر/ افزایش عمر تماشای طبیعت توسط کریدور و پاسیو/ گلخانه در	نمایش حرکت خورشید و ساعات مختلف روز توسط بازشوها/ میزان پیوستگی محیط طبیعی و مصنوعی از طریق ابعاد و جهت بازشوها/ جهت گیری ساختمان/ تجهیز بام/ طراحی فضاهاهایی در دیوار جهت نمایش یادگاری‌ها و آثار موفقیت فرد/ بافت‌های	۴: ماندگاری امکان تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط

قابلیت محیطی			خودآگاهی
قابلیت نمادین	قابلیت عملکردی	قابلیت کالبدی	سطح
چیدمان	فضاهای مشاع/ ارائه عملکرد در بام/ فضاهای انعطاف‌پذیر/ مسیرسبز برای پیاده و دوچرخه	خاص وابسته به تاریخ با امکان لمس و تجربه/ مصالح طبیعی و پرداخت نشده	
کاربری جمعی با قدرت معنایی همچون نمازخانه/ آلاچیق/ کهن الگوهای خانواده/ نماد شدن شخصیت کلی مجموعه	در فضاهای مشاع و جمعی	تعین هندسی/ مبلمان متحرک/ آتریوم با حضور طبیعت و مبلمان جهت گفتگو/ ایجاد گوشه‌های دنج و دارای دید به فضاهای جمعی/ رعایت حریم‌ها/ ایجاد فضای دیالوگ با فضا سازی غیرخطی و چیدمان مرکزگرا/ ایجاد مکث در فضاهای مشاع توسط طرح کف/ تعبیه عناصر مشترک همچون تابلو شارژ و قفسه امانات برای هر واحد در لابی/ ایجاد تنوع در طراحی لابی/ ایجاد کالدهای آشنا جهت حضور جمع	۵: متا (فراخودآگاهی)
	عملکردهای جمعی (بازی ها و تماشاخانه و باشگاه ورزشی)/ فضای برگزاری جشن‌ها در مناسبت های مختلف/ اختلاط کاربری‌های هم جنس/ تجهیز کاربری‌های جمعی جهت ترغیب کاربران به ترجیحشان نسبت به بیرون از مجموعه/ امکان شخصی سازی در فضاهای جمعی/ غربالگری ساکنین جهت انسجام فرهنگی		بیناذهنیت

در نهایت مدل مفهومی پژوهش طبق شکل ۲ ارائه می‌گردد.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

۳.۲. پرسشنامه

پرسشنامه به روش دلفی از مقوله‌های اصلی با تایید ۵ نفر از اساتید دانشگاه، در قالب طیف لیکرت تنظیم گردیده و نمونه‌گیری بصورت تصادفی بین ۳۰۰ نفر از ساکنین سه مجموعه مسکونی واقع در منطقه ۹ مشهد، به عنوان گروهی همگن از منظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، توزیع گشت.

۴.۲. سنجش پایایی داده‌ها

از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و در مواردی که پایایی کمتر از ۰/۵ بود، سؤالات نامرتبط شناسایی شد. بدین ترتیب بارعاملی سوال ۹ در مولفه موقعیت، ۰/۲۹۲ و بارعاملی سوال ۱۰ در مولفه شناسایی ۰/۲۹۶ بود و غیر از این دو سوال که از ادامه پژوهش کنار گذاشته شدند، سایر سؤالات، بارعاملی بیشتر از ۰/۳ را داشتند.

۵.۲. ارزیابی مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی)

پایایی و روایی سازه‌ها و شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. پایایی مرکب برای هریک از سازه‌های مدل بیشتر از ۰/۷ محاسبه گردید. همچنین تمامی شاخص‌ها از پایایی لازم برخوردار بودند. به منظور بررسی روایی سازه‌های انعکاسی مدل، از روایی همگرا و روایی افتراقی استفاده شد. آلفای کرونباخ، معیار متوسط واریانس استخراج شده برای ارزیابی روایی همگرایی تمامی سازه‌های انعکاسی مدل، بیشتر از ۰/۵ بوده و همبستگی سؤالات در متغیر «تمایز» از بیشترین میزان نسبت به سایرین برخوردار است. همچنین برای ارزیابی روایی افتراقی با استفاده از معیار فورنل-لارکر، جذر متوسط واریانس استخراج شده برای هر سازه از بالاترین همبستگی هر سازه با سایر سازه‌های مکنون بیشتر بوده و بدین ترتیب روایی افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری نیز تأیید گردید. در جدول ۴ شاخص‌های پليایی و روایی همگرایی متغیرهای پنهان ارائه شده است:

جدول ۴. بررسی پایایی و روایی همگرایی متغیرهای پنهان و شناسایی سؤالات نامرتبط

متغیرهای پنهان	تعداد سؤالات	سوال نامرتبط	آلفای کرونباخ پس از حذف سوال	پایایی مرکب
تمایز	۴	-	۰/۷۸۲	۰/۸۵۸
موقعیت	۵	سوال ۹ (توانمندی فضاهای باز)	۰/۵۴۳	۰/۷۱۰
شناسایی	۴	سوال ۱۰ (طراحی مشارکتی)	۰/۵۶۹	۰/۷۴۶
ماندگاری	۷	-	۰/۶۷۴	۰/۷۷۵
متا	۷	-	۰/۶۸۵	۰/۷۷۱

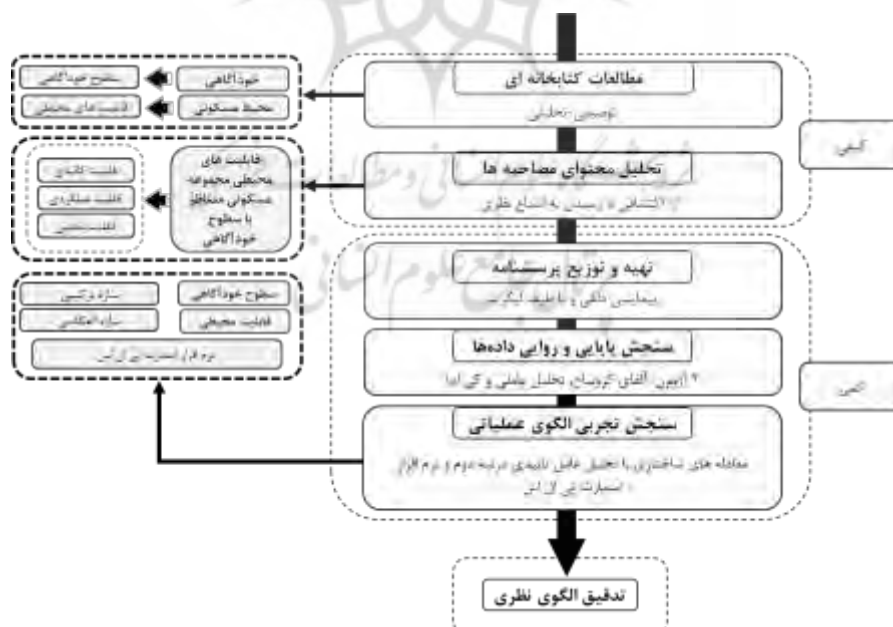
داده‌ها طبق جدول ۵، توسط دو آزمون تحلیل عاملی، کی.ام.ا با شاخص ۰/۷۸۸ و کرویت بارتلت دارای پی مقدار ۰/۰۰۰ با آماره کی دو ۶۲۲/۹۱۳ با ۳۰۰ درجه آزادی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار، سنجیده شد که نشان از تفاوت معنادار بین ماتریس همبستگی جامعه مورد پژوهش و ماتریس همانی است؛ درواقع بین قابلیت‌های محیطی در داخل هر سطح از خودآگاهی، همبستگی بالایی وجود دارد.

جدول ۵. شاخص کفایت نمونه گیری KMO و آزمون بارتلت در مرحله اول تحلیل عاملی اکتشافی

۰/۷۸۸	شاخص کفایت نمونه گیری کیسر - می-و-اولکین (KMO)	
۴۶۲/۹۱۳	مجذور کای تقریبی	آزمون کروییت بارتلت
۳۰۰	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	p-value	

۶.۲. سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق

استفاده از الگویابی علی یا الگوسازی معادله‌های ساختاری با تحلیل عامل تاییدی مرتبه دوم انجام گردید. برای تحلیل عاملی مرتبه دوم به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار آماری اسمارت-پی ال اس^۱ نسخه ۳/۰ استفاده شد؛ چرا که هرگاه حجم مشاهدات اندک و یا فاقد توزیع نرمال است و یا در مدل، متغیر ترکیبی وجود دارد، ترجیح بر به‌کارگیری رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزارهای این چنین می‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵، ص. ۷۰). در مدل پژوهش، قابلیت‌های محیطی به صورت سازه‌های انعکاسی و ۵ سطح خودآگاهی به صورت سازه ترکیبی مدل سازی گردید. به‌منظور ارزیابی اهمیت و اولویت هریک از قابلیت‌ها در سطوح مورد بررسی، بارعاملی محاسبه شد و معناداری بارهای عاملی با استفاده از روش بوت استرپ^۲ برای به دست آوردن مقادیر t بررسی گردید. پس از آن، باتوجه به اینکه متغیر مرتبه دوم به صورت متغیر ترکیبی در نظر گرفته شد، به جای بارعاملی، وزن‌های مولفه‌ها، طبق شکل ۳، محاسبه شد.



شکل ۳. فرایند پژوهش

1. Smart-PLS
2. Bootstrap

در انتخاب نرم افزار جهت سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق، ابتدا نوع سازه‌ها مشخص گردید. همانطور که آزمون‌ها نشان دادند، بدلیل همبستگی بالای بین قابلیت‌های محیطی در هر سطح تشکیل‌دهنده و توانایی حذف شدن آن‌ها (سوال ۹ و ۱۰)، نوع سازه آن‌ها انعکاسی است؛ در حالی که هر یک از سطوح خودآگاهی که بخشی از سازه خودآگاهی را شکل داده، بصورت مرحله‌ای طی می‌شوند و نمی‌توان هیچ یک را حذف کرد؛ همچنین همبستگی بالایی بین آن‌ها وجود ندارد؛ لذا سازه آن‌ها ترکیبی است (کلتمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیر^۲ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۸۵). از این جهت به دلیل وجود متغیرهای ترکیبی در مدل‌سازی پژوهش، نرم افزارهای مدلسازی معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس از جمله لیزرل در انجام محاسبات اینگونه مدل‌ها از کارایی کمتری برخوردار بوده (رینگل و وند^۳، ۲۰۰۵) و نرم افزارهای مبتنی بر حداقل مربعات جزئی، توانایی بالایی در انجام محاسبات اینگونه مدل‌ها دارند.

۳. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که خودآگاهی دارای سه منبع خود، محیط‌فیزیکی و محیط‌اجتماعی است و دو نوع درونی و بیرونی دارد که در نوع درونی، خود (فرد) با محیط‌فیزیکی و در نوع بیرونی با محیط‌اجتماعی همراه می‌شود (تصویر ۲). ادغام این دو محیط (فیزیکی و اجتماعی) توانایی تشکیل ۵ سطح در خودآگاهی را دارد که بترتیب شامل: تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری و متا هستند که فرد با طی مرحله‌ای آن‌ها به فراخودآگاهی می‌رسد. لذا بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های آماری پژوهش (جدول ۶)، اهمیت سطوح در مجموعه مسکونی به ترتیب ماندگاری، متا، تمایز، شناسایی و موقعیت هستند که در «سطح ماندگاری»، هر سه قابلیت کالبدی، عملکردی و نمادین هویت‌پذیری (در بافت و مصالح و فرم‌های استحاله‌شده)، فضاهای انعطاف‌پذیر (جهت بهره‌برداری در آینده) و نمایش حرکت خورشید به ترتیب با بارعاملی ۰/۸۶۹، ۰/۷۱۵ و ۰/۷۰۴ مؤثر واقع شدند. «سطح متا» با قابلیت کالبدی حضور طبیعت با بارعاملی ۰/۷۳۵، جهت تعامل، اهمیت یافت. «سطح تمایز» با قابلیت‌های کالبدی و نمادین رازآلودی، سلسله‌مراتب و تباین در فیلتربندی‌ها به ترتیب با بارعاملی ۰/۸۶۸ و ۰/۸۴۷ و ۰/۷۵۵ مؤثر بودند. «سطح شناسایی» با هر سه قابلیت کالبدی، عملکردی و نمادین سازماندهی عملکردی (در تامین نیازهای مختلف روحی) و بازنمایی شخصیت ساکنین در چیدمان داخلی با بارهای عاملی ۰/۸۹۳ و ۰/۷۷۳ و «سطح موقعیت» با قابلیت کالبدی تداوم سلسله‌مراتبی سناریوها با بارعاملی ۰/۷۴۳ مؤثر واقع شدند. نتیجتاً طبق تصویر ۴، قابلیت کالبدی بیش از قابلیت عملکردی و نمادین در خودآگاهی فضاهای مجموعه مسکونی دخیل است. بدین صورت که در مجموعه مسکونی، برای نمایش هر عملکرد و معنایی، باید از قابلیت‌های کالبدی بهره‌گرفت و این دو به تنهایی کاربردی ندارند.

1. Coltman
2. Hair
3. Ringle & Wende

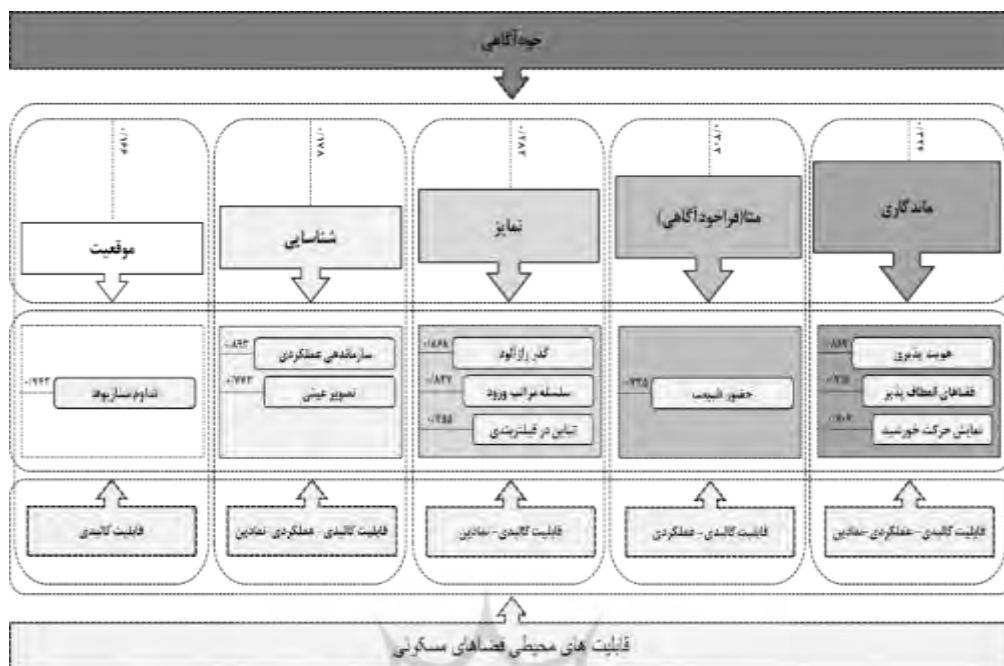
جدول ۶. بررسی بارعاملی و معناداری سطوح خودآگاهی و قابلیت‌های محیطی هر یک در مجموعه مسکونی

وزن سطوح با PValues:0/000		قابلیت محیطی	نوع	بارعاملی	انحراف استاندارد	آماره t	P Values
تمایز	۰/۲۸۳	عدم نمایش عمق و رازآلودی با نور و دید کنترل شده و سایه روشن نور	کالبدی-نمادین	۰/۸۶۸	۰/۲۷۵	۳/۱۵۸	۰/۰۰۲
		سلسله‌مراتب در سازمان فضایی با ایجاد پیش فضا و فضاهای واسط	کالبدی	۰/۸۴۷	۰/۳۴۶	۲/۴۴۹	۰/۰۱۵
		تباین در فیلتربندی فضاها	کالبدی	۰/۷۵۵	۰/۲۵۱	۳/۰۱۰	۰/۰۰۳
		دعوت کنندگی از طریق تشدید مقیاس	کالبدی-نمادین	۰/۶۲۰	۰/۳۶۴	۱/۷۰۳	۰/۰۸۹
موقعیت	۰/۱۶۶	تداوم سلسله‌مراتبی سناریو سازی برای هر فضا	کالبدی	۰/۷۴۳	۰/۲۶۳	۲/۸۲۶	۰/۰۰۵
		عدم اطلاعات بیش از حد در فرم، رنگ، مصالح و..	کالبدی	۰/۵۹۸	۰/۳۹۲	۱/۵۲۶	۰/۱۲۸
		افزایش عمق تماشای طبیعت	کالبدی	۰/۶۸۱	۰/۳۱۸	۲/۱۴۴	۰/۰۳۲
		هویت پذیری با برداشت استحاله شده از گذشته	کالبدی-نمادین	۰/۴۲۵	۰/۳۴۲	۱/۲۴۴	۰/۲۱۴
شناسایی	۰/۱۷۸	بازنمایی شخصیت ساکنین در چیدمان داخلی	کالبدی-نمادین	۰/۷۷۳	۰/۲۳۹	۳/۲۲۸	۰/۰۰۱
		سازماندهی عملکردی در تامین نیازهای روحی ساکنین	کالبدی-عملکردی	۰/۸۹۳	۰/۰۷۳	۱۲/۲۸۷	۰/۰۰۰
		تناسبات فضایی و فواصل کاربری‌ها	کالبدی	۰/۳۹۸	۰/۳۹۴	۱/۰۱۰	۰/۳۱۳
ماندگاری	۰/۳۲۴	نمایش حرکت خورشید و ساعات مختلف روز جهت سازماندهی فضاها	کالبدی-عملکردی	۰/۷۰۴	۰/۱۳۱	۵/۳۶۴	۰/۰۰۰
		افزایش عمر تماشای طبیعت	کالبدی	۰/۵۶۶	۰/۱۴۵	۳/۹۰۱	۰/۰۰۰
		تجهیز بام	کالبدی	۰/۱۷۸	۰/۲۶۶	۰/۶۷۰	۰/۵۰۳
		فضاهای انعطاف پذیر جهت بهره برداری در آینده	کالبدی-عملکردی	۰/۷۱۵	۰/۱۷۰	۴/۱۹۲	۰/۰۰۰
		هویت پذیری با بافت های خاص وابسته به تاریخ و امکان لمس و تجربه، مصالح طبیعی و پرداخت نشده و برداشت استحاله شده	کالبدی-نمادین	۰/۸۶۹	۰/۰۵۳	۱۶/۳۴۱	۰/۰۰۰
		مسیر سبز با چیدمان نمادین	کالبدی-نمادین	۰/۶۹۷	۰/۰۸۳	۸/۴۰۶	۰/۰۰۰
		فضاهایی همچون طاقچه جهت نمایش یادگاری‌ها و آثار موفقیت	کالبدی-نمادین	۰/۱۵۶	۰/۲۲۰	۰/۷۰۷	۰/۴۸۰
متا	۰/۳۰۳	گوشه‌های دنج و دارای دید به فضاهای	کالبدی	۰/۴۸۴	۰/۲۷۶	۱/۷۵۰	۰/۰۸۱

وزن سطوح با PValues:0/000	قابلیت محیطی	نوع	بارعاملی	انحراف استاندارد	آماره t	P Values
	جمع					
	تعیین هندسی فضاهای مشاع برای ایجاد فضای دیالوگ	کالبدی	۰/۶۱۹	۰/۱۹۱	۳/۲۳۷	۰/۰۰۱
	فضایی همچون آتریوم با حضور طبیعت در لابی	کالبدی	۰/۷۳۵	۰/۱۲۴	۵/۹۴۶	۰/۰۰۰
	ارائه عملکردهای جمعی	عملکردی	۰/۶۱۰	۰/۱۵۰	۴/۰۷۵	۰/۰۰۰
	اختلاط کاربری	عملکردی	۰/۵۰۱	۰/۲۱۰	۲/۳۸۸	۰/۰۱۷
	کالبدهای آشنا	کالبدی-نمادین	۰/۳۰۷	۰/۲۸۶	۱/۰۷۳	۰/۲۸۴
	غریبالگری ساکنین جهت انسجام فرهنگی	عملکردی	۰/۶۹۸	۰/۱۲۹	۵/۴۱۷	۰/۰۰۰

موضوع قابل تامل دیگر، تفاوت «عمق تماشا» در سطوح مختلف خودآگاهی طبق جدول ۳ می باشد؛ بدین صورت که در سطح تمایز بر عدم نمایش عمق تأکید شده است؛ یعنی قابلیت های محیطی باید درصدد کاهش عمق تماشا باشند تا حواس پرتی های فرد بتدریج کاهش یابد. در حالی که در سطح موقعیت، تأکید بر افزایش عمق تماشا از طریق پیوند فضاهای باز و نیمه باز و بسته شده است. در سطح ماندگاری نیز افزایش عمر تماشای عمق مدنظر بوده است؛ بطوریکه فرد بتواند در آن فضا مکث بیشتری جهت تماشا داشته باشد.

بحث دیگر در مورد سطح شناسایی است که به روحیات و شخصیت ساکنین می پردازد و بیش از پیش بر موضوع ساکنین به عنوان بهره برداران واقعی، اهتمام می ورزد. نکته مهم دیگر فراخودآگاهی (متا) بوده که به دنبال ایجاد بینادذهنیت از طریق تعامل است؛ یعنی هرچه فضاها توانایی جذب حداکثری از تجمع ساکنین را از طریق تعیین هندسی، کالبدهای آشنا، حضور طبیعت و اختلاط کاربری داشته باشند، تعامل بین افراد در جهت شناخت ذهنیت همدیگر، به افزایش خودآگاهی در این سطح یاری می رساند. البته این موضوع در مجموعه مسکونی، باید با توجه به موضوعات مختلفی رعایت گردد؛ از جمله ایجاد گوشه های دنج در فضاهای جمعی، که علاوه بر تامین حدودی از خلوت فرد در عین تماشا، می تواند عاملی دعوتگر جهت پیوستن وی به جمع باشد.



شکل ۴. تدقیق الگوی نظری پژوهش

٤. بحث

در بررسی شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) گویه‌ها، میانگین سوال ۹ «ارائه عملکرد خاص در فضای بیرونی در مولفه موقعیت» و ۱۰ «طراحی مشارکتی در مولفه شناسایی»، بیشتر از حد وسط (۳) در طیف لیکرت ۵ تایی بود که نشان دهنده این است که اکثر پاسخ‌دهندگان با آن موافق بوده‌اند، ولیکن به دلیل ایجاد ناسازگاری درونی با سایر سؤالات و همچنین بارعاملی کمتر از ۰/۳، این دو سوال از ادامه پژوهش کنار گذاشته شدند.

آنچه پژوهش حاضر را در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، دووال و ویکلاند (۱۹۷۲) و فرانتز و همکاران (۲۰۰۵)، متمایز می‌سازد، این است که برخلاف همگی آن‌ها که ارتباط با محیط را در تقابل با خودآگاهی می‌دانستند؛ این پژوهش اتفاقاً به توانایی تأثیر محیط بر افزایش خودآگاهی پرداخته است؛ چرا که اصولاً منابع خودآگاهی (خود، محیط فیزیکی، محیط اجتماعی) با محیط گره خورده است.

موضوع متمایز دیگر این است که همانطور که مقاله‌ای (جیانانی، ۲۰۲۱) به حقایق پدیدارشناختی در خصوص آگاهی فرد اشاره کرده‌بود، این پژوهش، خودآگاهی در محیط را با استفاده از نظریه‌الگوی آینه بررسی می‌کند که مقاله کرومنس و همکاران (۲۰۱۹)، جهت تشخیص بدن از آن بهره‌مند شده بود؛ و روشن می‌گردد که برخلاف نظریه تکامل‌یافته خودآگاهی عینی (ویکلاند، ۲۰۰۸) که به اجتناب از آینه و فعالیت‌های حرکتی تأکید می‌ورزید؛ خودآگاهی در محیط مسکونی دارای سطوحی بوده که همانند مقاله سانگ (۲۰۲۰)، درک مخاطب، نیازمند دانش پیشینه‌ای بوده ولذا سطح شناسایی و ماندگاری (آگاهی از خود)، بر عناصر هویت‌پذیر (همچون آینه‌ای از خود) و

پیوستگی محیط (مصنوعی و طبیعی) و سازماندهی عملکردی فضاها تأکید دارد که این امر مستلزم حرکت در آن‌ها نیز می‌باشد.

۵. نتیجه گیری

کیفیت زندگی به نحوه شناسایی لحظه به لحظه خود توسط خودآگاهی بستگی دارد. در این میان نقش محیط زندگی به ویژه مسکن برای به کارگیری قابلیت‌های محیطی در جهت القای کیفیت مطلوب، بیش از سایرین است. بنابراین پژوهش در وهله اول باهدف کنکاش در رابطه بین محیط و خودآگاهی، مشخص گردانید که اولاً خودآگاهی که هد نظر پژوهش بوده از نوع مرتبط با جهان است که دارای دو نوع درونی (خود(فرد) با محیط فیزیکی) و بیرونی (خود(فرد) با محیط اجتماعی) می‌باشد. محیط فیزیکی و اجتماعی باهم توانایی تشکیل ۵ سطح در خودآگاهی را دارند که به ترتیب شامل: تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری و متاهستند و فرد با طی مرحله‌ای آن‌ها به فراخودآگاهی می‌رسد و می‌تواند در طراحی محیطی مورد توجه قرار گیرد. در وهله دوم برای رابطه محیط مجموعه مسکونی و خودآگاهی، قابلیت‌های محیطی مرتبط با هریک از سطوح معین شده و مورد سنجش پژوهش قرار گرفت. روشن گردید که حضور در مجموعه مسکونی در ابتدا نیازمند ایجاد «تمایز» جهت کاهش تدریجی حواس پرتی‌های روزمره است؛ لذا ایجاد جذابیت با نوعی رازآلودی و درگیری آرام آرام فرد توسط نور و دید کنترل شده و سلسله مراتب ورود و تباین در فیلتربندی‌ها ایجاد می‌گردد. برای درک فرد از «موقعیت»، تداوم سلسله مراتبی سناریوها جهت پیوند فرد با محیط ضروری است. سپس جهت «شناسایی» خود در محیط، روحیات فرد جهت سازماندهی عملکردی و بازنمایی شخصیت آنان در فضاها مهم جلوه می‌کند. برای تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف در سطح «ماندگاری»، هویت مرتبط با گذشته، انعطاف فضاها مرتبط با آینده و همچنین حرکت خورشید جهت آگاهی از ساعات مختلف روز، اهمیت دارند. آخرین مرحله در سطح «متا»، جهت ایجاد بینادذهنیت توسط تعامل، نقش طبیعت پررنگ می‌باشد. بر این اساس قابلیت کالبدی در مجموعه مسکونی، بیش از سایر قابلیت‌ها توانایی القای سطوح خودآگاهی را دارا است و سایر قابلیت‌ها به تنهایی، امکان تأمین سطوح خودآگاهی را ندارند. شایان ذکر است این پژوهش در مقیاس مجموعه مسکونی مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا اهمیت سطوح خودآگاهی و متعاقباً قابلیت‌های محیطی مؤثر بر آن‌ها نیز در سایر گونه‌های مسکونی، می‌تواند متفاوت بوده و موضوع بحث در پژوهش‌های آتی قرار گیرد. تفاوت قابلیت محیطی «عمق تماشا» در سطوح مختلف خودآگاهی نیز امکان بررسی بیشتر را دارا است. همچنین دو گویه حذف شده «ارائه عملکرد خاص در فضای بیرونی در مولفه موقعیت» و «طراحی مشارکتی در مولفه شناسایی» به علت ناسازگاری درونی، قابلیت بررسی در پژوهش‌های آتی را خواهند داشت.

کتاب نامه

۱. افشار، ز.، هنرفر، ر.، و قاضی، ر. (۱۳۹۸). ارزیابی شاخصه‌های مسکن در برج‌های مسکونی کلانشهر مشهد (نمونه موردی: مجتمع بلندمرتبه باران ۱). کنفرانس بین‌المللی پیشرفت‌های اخیر در علوم اطلاعات، مهندسی و فناوری.
۲. انصاری، م.، و مؤمنی، ک. (۱۳۸۹). بررسی نقش عوامل محیطی بر رفتار انسان. گزارش سازمان نظام‌مهندسی ساختمان استان فارس، (۱۹)، ۶۶-۶۷.
۳. استیس، و. (۱۳۷۱). فلسفه‌هگل. حمید عنایت، مترجم، چاپ پنجم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۴. اسحاقی‌نسب، ا.، و زمانیه، ح. (۱۳۹۸). نسبت بین خودآگاهی و آگاهی به غیر در فلسفه ارسطو و ابن سینا. ذهن. (۸۲)، ۱۳۴-۱۰۹.
۵. باطنی خسروشاهی، ا.، و بلیان اصل، ل. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فرآیند ادراک در رابطه انسان محیط و نقش آن در طراحی محیط شهری. کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر.
۶. پاکزاد، ج. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۷. پالاسما، ی. (۱۳۸۹). هویت حریم خصوصی و مأوا. پدیدارشناسی مفهوم خانه در نقاشی. معماری و سینما، امیر امجد، مترجم، ماهنامه صنعت سینما، (۹۷)، ۱۲۱-۱۱۶.
۸. ثمین شریفی میاوقی، ا.، یعقوبی سنقرچی، م.، و حق لسان، م. (۱۳۹۸). ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی معماری مسکن مطلوب بر اساس نظام معرفتی اسلام (نمونه موردی: خانه‌های معاصر ارومیه). آموزش و ارزشیابی، ۱۲ (۴۸)، ۳۳-۶۲.
۹. چرچلند، پ. (۱۳۹۳). مادی‌نگاری حذفی و گرایش‌های گزاره‌ای (نظریه حذف‌گرایی در فلسفه ذهن). یاسر پوراسماعیل، مترجم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. خاکپور، ب.، هافی، ع.، و باوان پور، ع. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله ای نمونه کوی سجادیه در مشهد. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۲ (۲)، ۸۱-۵۶.
۱۱. رسولی محلاتی، ه. (۱۳۷۸). شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. سیدمن، ا. (۱۳۹۵). مصاحبه به عنوان یک روش پژوهش کیفی؛ راهنمای پژوهشگران علوم تربیتی، اجتماعی و انسانی. علی کوشا زاده، علیرضا جابری و سارا حسینی ارانی، مترجم، تهران: انتشارات مهکامه.
۱۳. ضمیران، م. (۱۳۸۳). مقوله بین‌الذهان و دیالوگ. فرهنگ اندیشه، (۱۲)، ۱۲۶-۱۱۳.
۱۴. طاهری، ث.، و طاهری، ج. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل محیطی مؤثر بر سلامت روان در مجموعه‌های مسکونی (نمونه موردی: مجموعه‌های ۵۱۲ و ۶۰۰ دستگاه شهر مشهد). هویت شهر، ۱۳ (۴۰)، ۷۴-۵۷.
۱۵. عزیزی، م.م.، و معینی، م. (۱۳۹۰). تحلیل رابطه بین کیفیت محیطی و تراکم ساختمانی. هنرهای زیبا، (۴۵)، ۱۶-۵.
۱۶. لنگ، ج. (۱۳۹۵). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. مارکوس، ک.ک. (۱۳۸۲). خانه: نماد خویشستن. علی علیقیان، مترجم. خیال بهار، ۱۱۹-۳۶.

۱۸. مطلبی، ق. (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. هنرهای زیبا، (۱۰)، ۵۲-۶۷.
۱۹. مطلبی، ق. (۱۳۸۵). بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری. هنرهای زیبا، (۲۵)، ۶۴-۵۵.
۲۰. مکاریک، ا. (۱۳۹۰). *دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر*. مهران مهاجر و محمد نبوی، مترجم. تهران: آگه.
۲۱. نقی‌زاده، م. (۱۳۹۱). حس حضور، مطلوب‌ترین برآیند ارتباطات انسان با محیط. *نشریه مطالعات معماری ایران*، ۱ (۲)، ۲۷-۴۶.
۲۲. نصیرسلامی، م. ر.، و سوهانگیر، س. (۱۳۹۲). راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت اثر متقابل انسان و محیط بر یکدیگر با رویکرد روان‌شناسی محیطی. *تحقیقات روانشناختی*، ۵ (۱۹)، ۷۹-۱۰۰.
۲۳. ورنون، م. (۱۳۹۸). *زندگی خوب: ۳۰ گام فلسفی برای کمال بخشیدن به هنر زیستن*. پژمان طهرانیان، مترجم، تهران: نشر نو.

24. Ackerman, C. E. (2021). *What Is Self-Awareness and Why Is It Important? [+5 Ways to Increase It]*. <https://positivepsychology.com/>.
25. Baumeister, R. F. (Ed.). (1999). *The self in social psychology*. Philadelphia: PA: Psychology Press (Taylor & Francis)
26. Bermudez, J. L. (1998). *The Paradox of self- self-Consciousness*. US: MIT Press
27. Benjamin, B. (2019). Why most people lack self-awareness and what to do about It. *Training Magazine*. March 18, <https://trainingmag.com/why-most-people-lack-self-awareness-and-what-do-about-it/> (accessed 2020)
28. Block, N. (1995). On a confusion about a function of Consciousness, pp:208-214, In: *Philosophy of Mind: Classical and Contemporary Readings*, ed. David J. Chalmers. New York: Oxford University Press, 116-125
29. Chalmers, D. (1995). Facing up to the problem of consciousness. *Journal of Consciousness Studies*, 2(3), 200-219.
30. De Dreu, C.K.W., van Knippenberg, D. (2005). The possessive self as a barrier to conflict resolution: Effects of mere ownership, process accountability, and self-concept clarity on competitive cognitions and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89(3), 345-357.
31. Duval, S., Wicklund, R. A. (1972). *A theory of objective self-awareness*. Academic Press.
32. Eurich, T. (2018). What self-awareness really is (and how to cultivate it). *Harvard Business Review*. <https://hbr.org/2018/01/what-self-awareness-really-is-and-how-to-cultivate-it>. (accessed July 4, 2020).
33. Farrell, J., & McClelland, T. (2017). Consciousness and inner awareness. *Review of Philosophy and Psychology*; (8), 1-22
34. Gallagher, Sh., & Zahavi, D. (2008). Consciousness and self-consciousness. in *The Phenomenological Mind*. New York: Routledge.
35. Giananti, A. (2021). I know how I know: perception, self-awareness. *Self-Knowledge, Synthese*, (198), 10355-10375.
36. Gombrich, E. H. (1963). *Meditations on a Hobby Horse*. London: Phaidon Press.
37. James, W. (1890). *The principles of psychology*. New York: Holt.
38. Lynch, K. (2005). *A theory of city form*, (Seyed Hossein Bahrainy:trans). Tehran: University of Tehran
39. Lewis, M. (1990). Self-knowledge and social development in early life. In L. A. Pervin (Ed.), *Handbook of personality: Theory and research*. The Guilford Press, 277-300

40. Manson, M. (2018). The Three Levels of Self-Awareness. *MM.NET*. May 3. <https://markmanson.net/self-awareness> (accessed 2020).
41. McLeod, S. A. (2008). Self-concept. *Simply Psychology*. www.simplypsychology.org/self-concept.html.
42. Morin, A. (2004), A Neurocognitive and Socioecological Model of Self-Awareness. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 130(3), 197–222.
43. Morin, A. (2011). Self-awareness Part 2: Neuroanatomy and importance of inner speech. *Social and Personality Psychology Compass*, (2), 1004-1017.
44. Nida-Rumelin, M. (2017). Self-awareness, Review of Philosophy and Psychology, *Springer*, (8), 55–82.
45. Rennie, L.J., Harris, P.R., & Webb, T.L. (2016). Visualizing actions from a third-person perspective: effects on health behavior and the moderating role of behavior difficulty. *Journal of Applied Social Psychology*, 26, 12410.
46. Rochat, P., & Striano, T. (1999). Social cognitive development in the first year. In P. Rochat. (Ed.), *Early social cognition*. Mahaw, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
47. Rochat, Ph. (2003). *Five levels of self-awareness as they unfold early in life*. Atlanta: Department of Psychology, Emory University.
48. Rosenberg, M. (1979), *Components of Rosenberg's self-esteem scale. Conceiving the self*. New York: Basic Books.
49. Rosenthal, D.M. (1986). Two Concepts of Consciousness. *Philosophical Studies*, 49(3), 329-359.
50. Scheibe, K. E. (1985). Historical perspectives on the presented self. In B. R. Schlenker (Ed.), *The self and social life*, New York: McGraw-Hill.
51. Searle, J.R. (1997). *The Mystery of Consciousness*. New York: A New York.
52. Short, J.R. (2006). *Urban Theory A critical Assessment*. New York: Pal.
53. Stepelevich, L. (1993). *Selected Essays on G.W.F. Hegel*. Humanitics press international, Inc.
54. Xiong, Sh. (2020). *Self-awareness: A dynamic poster design about self-awareness child development*. NY: Rochester Institute of Technology Rochester.
55. Zahedi, M.J, SHirani, M, Alipour, P. (2009). The relationship between social capital and social welfare, *Welfare social. Scientific and research journal*, 9(32), 1870.